

بازخوانی کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی

با رویکردی بر آیات و روایات

نویسندگان: حسین سلطان محمدی^۱، فاطمه سلطان محمدی^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

چکیده

یکی از اساسی‌ترین مسائل زندگی انسان بر اساس سنت الهی در قرآن و روایات، مسئله آزمایش و ابتلا است؛ بر این اساس در مقاله حاضر با هدف شناخت نقش آزمایش‌های الهی در تربیت انسان تلاش شده است به بررسی مباحثی هم‌چون آگاهی از اهداف، ویژگی‌ها، کارکردها و اثرات تربیتی آزمایش‌های الهی برای انسان و نقشی که این موارد در رشد، سعادت و کمال انسانی دارند، پرداخته شود.

آزمایش‌های الهی بر مبنای قرآن کریم، اهدافی نظیر تشخیص مؤمنان واقعی و تمحیص اعمال آن‌ها، شناخت مجاهدان و صابران، تعیین بهترین سرنوشت برای انسان‌ها و تقویت صبر آن‌ها دارد. هم‌چنین اختصاصاتی نظیر افتراق در مراتب دشواری آزمایش‌ها، عام‌البلوی بودن ابتلائات الهی در زندگی، دائمی بودن و غیر مقطعی بودن و سنخیت ابتلائات با رشد فکری و اجتماعی انسان‌ها و جوامع بشری دارد.

از مسائل مهم دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، نتایج و کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی است که در مواردی هم‌چون ایجاد معرفت و خودشناسی، تکامل ذات و ارتقای بشر، شایستگی پاداش و کیفر و استحکام اراده و تحریک انگیزه، بررسی و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: آزمون‌ها و ابتلائات الهی، کارکردهای تربیتی، آیات و روایات

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مفید، h0sinsoltan@yahoo.com

۲. طلبه سطح چهار علوم و معارف قرآن کریم.

مقدمه

مدت کوتاهی است و ویروس منحوس کرونا بر افکار و ابدان خاکیان چنگ انداخته و تمامی بلاد را درنوردیده و مردمان را خانه‌نشین و بسیاری از صاحبان حرف و مشاغل را تعطیل نموده است.

کرونا غریبه‌ای است که تاکنون سلامت جسمانی و روانی، فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، دینی، هنری، تفریحی و مسافرتی دولت‌ها و ملت‌ها را تحت شعاع خود قرار داده و به اذعان سازمان بهداشت جهانی^۱ بر عدم وجود درمان و واکسن مورد تأیید برای درمان آن و توصیه مکرر به پیشگیری و رعایت بهداشت و اجتناب از فعالیت‌ها و اجتماعات گروهی بر اهمیت واکاوی آن افزوده است.

البته زندگی انسان‌ها در هیچ زمانی به دور از مسئله ابتلا و امتحان نبوده و مواجهه شدن با دشواری‌های امتحان و آزمایش در هر دوره‌ای، برخی را ناتوان و بعضی را مجهز به تقویت توان جسمی و فکری برای مواجهه با دشواری‌های آن کرده است؛ از این رو نقش امتحان و آزمایش برای انسان می‌تواند هم سازنده و مجهز کننده باشد و هم مأیوس کننده تلقی شود. با این حال، این انسان و نوع بینش و تفکر اوست که نشان می‌دهد با دشواری‌های امتحان چگونه برخورد کند.

بنابراین، امتحان و ابتلا با زندگی انسان‌ها عجین شده و بخشی از زندگی ایشان را تشکیل می‌دهد تا جایی که بدون ابتلا و امتحان، نه جایگاه و مرتبه آدمیان مشخص شده و نه امکان تمیز و تفکیک آنان فراهم آمده و نه زمینه ظهور باطن‌ها و کسب کمالات آماده می‌شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۲۱)

1. World Health Organization (WHO)

در هیچ نظام تربیتی به فرد گواهی‌نامه ارتقا یا مردودی را نمی‌توان بدون آزمایش و آگاهی از میزان پیشرفت او اعطا کرد؛ پس امتحان و آزمایش وسیله‌ای برای ارتقا و ابزاری برای آگاه کردن انسان از وضع خود در مواجهه با امتحان است، لذا هر تربیتی، زمانی موفق خواهد بود که متریان را مورد آزمایش و امتحان قرار دهد و از آن ابزاری برای رشد و آگاهی، ارتقا و پاداش یا بازخورد منفی برای تغییر جهت تربی از مسیر نادرست و یا تقویت مسیر درست تربی استفاده کند.

در نتیجه امتحان و آزمایش از نظر تاریخی به قدمت پیدایش انسان‌ها برمی‌گردد؛ اما آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود، موضوع امتحان و ابتلا در قرآن کریم و نزول وحی آسمانی به پیامبر اکرم ﷺ و آغاز عصر دین مبین اسلام است.

بنابراین در مقاله حاضر، موضوع بررسی آزمایش از زمان نزول آیات قرآنی و آگاهی انسان از این پیام آسمانی دنبال می‌شود؛ هر چند خداوند متعال در قرآن کریم به این‌گونه حوادث تاریخی که بیان‌گر عبرت‌دهی و ناکامی برخی اقوام پیشین در مواجهه با نعمت‌ها یا بلاها که دوشویه ابتلا و امتحان برای مقاصد مختلف بوده‌اند، اشاره می‌کند.

چارچوب فرایندی پژوهش

در این پژوهش بنیادی که با روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود، محقق پس از مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای اقدام به توصیف، تحلیل و بررسی کرده و بر این اساس ابتدا مفهوم‌شناسی ابتلا، امتحان، فتنه و تمحیص به عنوان مفاهیم مرتبط با آزمایش و امتحان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

در بخش دوم، اهداف آزمایش‌های الهی که حاوی دو هدف کلی و چند هدف جزئی است، مورد توجه قرار گرفته و در بخش‌های بعدی با توجه به آیات و روایات، ویژگی آزمایش‌های الهی در مواردی هم‌چون سطح دشواری، فراگیری، تناسب با رشد فردی و برخورداری از مدت زمان معین، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

در مرحله بعد، کارکردها و آثار تربیتی آزمایش‌های الهی هم‌چون ایجاد آگاهی، ارتقای انسان، توبه و بازگشت، استحقاق پاداش و کیفر، تقویت اراده و انگیزه و ایجاد رقابت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و در پایان نیز مباحث مطرح شده جمع‌بندی شده و چند پیشنهاد کاربردی و پژوهشی برای محققان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت ارائه خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

در بررسی آیات قرآن مجید، تعدادی از واژگانی را می‌توان یافت که در مفهوم آزمایش به کار رفته است؛ واژگانی که تبیین مفهومی هر یک می‌تواند راه را برای تشریح بیشتر سایر مباحث فراهم کند. در ادامه به تبیین برخی از این کلیدواژگان اشاره می‌شود:

۱. ابتلا

سرآمدترین واژه بکار رفته در قرآن و روایات، واژه ابتلا است که با معانی بلاء، بلو، بلیه، بلوی، ۳۷ مورد طی ۳۴ آیه و سایر مشتقات آن همه به یک معنی برمی‌گردد و جمع آن بلا یا است. عنوان بلا هم در نعمت و هم در نعمت بکار می‌رود و یک واژه عام است. از این آیه قرآن کریم «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر، ۱۶-۱۵) چنین بر می‌آید که اگر انسان بیمار به بیماری مبتلا است، انسان سالم نیز به سلامت مبتلا است؛ پس در عالم هیچ چیزی یافت نمی‌شود که به بلا مبتلا نباشد. گاهی خدای متعال انسان را با سلامت امتحان می‌کند تا ببیند او شاکر است و از این نعمت بهره می‌گیرد یا نه و گاهی او را به مرض می‌آزماید تا ببیند او صابر است یا نه. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۶۰)

در معنای «بلا ییلو»، بلا به معنی محبت و دوستی کردن و تفضل است که گاهی این محبت در نظر انسان، بلیه‌ای نیکو و گاهی مکروه است. «بلوۀ» به این معناست: او را آزمودم؛ مثل این است که از زیادی آزمایش خسته‌اش کردم. «ابلیت فلانا» به معنی این است که او را آزمودم و با آزمایش به او آگاهی دادم. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۴۶)

۲. تمحیص

واژه دیگری که در برخی از آیات قرآن بکار رفته، «تمحیص» است که به معنی خالص کردن است و در نتیجه بلا و آزمایش حاصل می‌شود.

در آیه شریفه «وَلِيْمَحِصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴) محص در اصل به معنی خالص کردن و برطرف نمودن عیب و ایراد از یک چیز بوده و همانند تزکیه و تطهیر است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۷۶۱)

علامه طباطبایی در مورد تمحیص می‌نویسد: تمحیص از «محص» به معنی خالص کردن چیزی از آمیختگی و ناخالصی‌هایی است که از بیرون به آن داخل شده است. خاصیت خالص‌سازی در انسان، معلوم کردن ایمان مؤمنان برای جداسازی آن از غیر مؤمنان است؛ هم‌چنین خالص کردن ایمان از ناخالصی‌های کفر و نفاق و فسق است. خداوند اجزای کفر و نفاق و فسق را به تدریج از مؤمن می‌زداید تا جز ایمانش چیزی باقی نماند و ایمانش خالص برای خدا باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۳)

۳. فتنه

در برخی از آیات قرآن، واژه فتنه به معنی آزمایش و امتحان بکار رفته است. برای نمونه در آیه شریفه «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت، ۲) علامه طباطبایی در تفسیر ذیل آیه شریفه می‌نویسد: کلمه فتنه به معنی آزمایش است. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۷، ۱۴۷)

فته در اصل به معنی داخل کردن طلا و نقره در آتش برای مشخص کردن عیار خوبی و بدی آن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۶۲۳)

سید رضی نیز معنای اصلی فته را آزمون و سنجش همانند آزمون طلا و نقره می‌داند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۹: ۳۰۷)

۴. امتحان و آزمایش

از واژگان دیگر مورد استعمال در قرآن کریم، کلمه امتحان است که در برخی از آیات به چشم می‌خورد.

در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى» (حجرات، ۳) واژه امتحان از باب افتعال و به معنی ابتلا و اختبار است. ریشه این کلمه از واژه «محن» به معنی آزمایش است و کاربرد آن در مواردی است که چیزی را بیازمایند؛ لذا وقتی گفته می‌شود «محننت الذهب والفضة» به این معنی است که طلا و نقره را در آتش گذاختم و با جدا کردن شائبه‌ها آن‌ها را صاف و خالص کردم. امتحان دانش آموز و دانشجو نیز به همین معنی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۴۲)

هم‌چنین در تعریف آزمایش الهی چنین بیان شده است:

آزمایش الهی یک سنت مطلق فردی، اجتماعی، دنیوی و الهی است که متعلق اراده تکوینی الهی است؛ زیرا تمام سنن متعلق اراده تکوینی الهی هستند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۴۳۴)

اهداف آزمایش‌های الهی

هر آزمون و امتحانی که برای آزمون شونده به اجرا در می‌آید، در تعقیب سه هدف مهم است؛ گاهی هدف از امتحان و آزمایش برای شناختن و پی بردن به توانایی‌های

آزمایش شونده یا همان هدف تبدیل امر مجهول به معلوم است؛ چنین هدفی در امتحانات بشری و مرسوم نظام آموزش و پرورش مورد توجه معلمان و مربیان است. گاهی هدف از آزمایش و امتحان برای اتمام حجت است؛ یعنی مربی در صدد است به آزمون شونده اتمام حجت کند و نمره نهایی او را با دلایل روشن اعلام نماید. در چنین مواردی، آزمون شونده عذر و بهانه‌ای برای عدم قبول عواقب قصور و کم‌کاری خود را نمی‌تواند انکار کند.

در هدف سوم، امتحان و آزمایش باید به مسئله کمال و رشد آزمون شونده، اشاره کند. مهم‌ترین هدف امتحان، رشد و کمال آزمون شونده است و مربی با امتحان و آزمایش در صدد است شاگرد به نهایت کمال، رشد و آگاهی خود برسد. حال با توجه به این سه هدف مهم باید دید که خداوند از امتحان و آزمایش بندگان چه منظوری دارد که در قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده است. در بررسی این موضوع باید اذعان کرد که آزمون و امتحان الهی جدا از آزمون و امتحانی است که یک فرد، فرد دیگری را می‌آزماید؛ خداوند نسبت به وضعیت بندگان خود ناآگاه و بی‌خبر نیست.

وقتی چیزی را مورد امتحان قرار می‌دهند برای این است که مجهولی را تبدیل به معلوم بکنند، برای این کار شیء را به عنوان میزان و مقیاس به کار می‌برند تا بتوانند مجهولی را به معلوم تبدیل بکنند و به وسیله آن مقیاس، بتوانند شیء را اندازه بگیرند. امتحان اگر فقط به معنی بکار بردن میزان و مقیاس و برای کشف مجهول باشد، البته در مورد خداوند صحیح نیست. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۴۳)

هدف خداوند از آزمایش انسان‌ها رشد و تعالی انسان و رساندن وی به حد اعلی درجه انسانیت و واگذار کردن مسئولیت برای پذیرش نتایج اعمال خود است. بنابراین می‌توان گفت هدف آزمایش‌های الهی هم اتمام حجت به بندگان و هم رشد و کمال انسانیت او است. خداوند در سوره کهف می‌فرماید:

کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتانات الهی... / ۸۰

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»؛

(کهف، ۷) ما آنچه را که در زمین جلوه‌گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم تا مردم را امتحان کنیم که کدامیک عملشان نیکوتر خواهد بود.

به طور کلی از مضمون آیات قرآنی، برخی از اهداف جزئی آزمایش‌های الهی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. تعیین بهترین عمل برای انسان‌ها

هدف مهم خلقت و آفرینش انسان، رساندن وی به کمال لایق و شایسته او است. انسان مؤمن از طریق آزمایش و ابتلا و سربلندی در آن می‌تواند به یک انسان لایق و شایسته تبدیل شود و بهترین سرنوشت و عمل را برای خود رقم زند. (ر. ک: کهف، ۷)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مورد اشاره می‌نویسد:

انسان در اصل، جوهری شریف است. او هرگز مایل نبوده به زمین دل بندد و در این جا زندگی کند؛ اما تقدیر الهی چنین است که میان انسان و آن چه در زمین است علاقه ایجاد نماید و از راه اعتقاد و عمل به حق، دل و قلبش تصفیه و تطهیر شود و متاع دنیا وسیله‌ای است تا معلوم شود چه کسی بهتر عمل می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۳۳۴)

۲. تشخیص مؤمنان واقعی و تمحیص اعمال آن‌ها

از دیگر اهداف آزمایش الهی، تمیز مؤمنان از منافقین است. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظِلَّكُمْ عَلَى الْغَيْبِ...»؛ (آل عمران، ۱۷۹)

خداوند هرگز مؤمنان را بدین حال کنونی که برآیند وانگذازد تا آن که بدسرشت را از پاک گوهر جدا کند و خدا همه شما را از سرّ غیب آگاه نسازد.

طبرسی در ذیل آیه می نویسد:

آیه خطاب به مؤمنان است؛ یعنی ای مؤمنان حکم خداوند بر این نیست که شما را به همین حالت که هستید و مؤمن و منافق اشتباه شود، باقی گذارد. (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۸۹۵)

علامه طباطبایی نیز می نویسد:

ناموس امتحان الهی از این جهت در میان مؤمنین جاری است که مراتب کمال را پیموده و مؤمن خالص از ناخالص جدا و پاک سرشت از بدطینت متمایز شود. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۳۷)

۳. شناخت مجاهدان و صابران و خداترسان

هدف دیگر آزمایش الهی، مشخص شدن مجاهدان، صابران و خداترسان است؛ البته این شناسایی برای خود مؤمنان است نه برای خدا.

خداوند در قرآن کریم به این موضوع اشاره می کند:

«وَلَتَبْلُؤُنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُواْ أَخْبَارَكُمْ»؛

(محمد، ۳۱) و البته شما را در مقام امتحان می آوریم تا آن را که در راه خدا

جهاد و مجاهده و کوشش دارد و صبر می کند معلوم سازیم و اخبار و

اظهارات شما [منافقان] را بیازماییم.

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه می نویسد:

علت واجب شدن قتال بر مؤمنان، آزمودن آنهاست تا مجاهدان در راه

خدا و کسانی که بر سختی و مشقت تکالیف الهی صبر می کنند، شناخته

شوند و منظور از «تبلوا اخبارکم» این است که صالح از ناصالح متمایز شود.

(طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۳۶۵)

در آیه‌ای دیگر، قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَلْبِسْكُمْ اللَّهُ بَشِيءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ
وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ...»؛ (مانده، ۹۵) ای اهل
ایمان! خداوند شما را به چیزی از شکار آزمایش می‌کند، چه شکاری که
دست شما به آن برسد و نیزه‌های شما تا خدا کسی را که در نهان از او
می‌ترسد، معلوم و مشخص نماید.

در این آیه شریفه، نوع صید از صیدهای حلال استثناء شده و در محرمات قرار
گرفته است. مطلب قابل تأمل این‌که خداوند قسم یاد می‌کند شما را می‌آزماید تا
مطیع شما از عصیان‌گر شناخته شود. لفظ به شیء اشاره دارد، به این معنی که ابتلا
و امتحان آسان بوده و مانند تکلیف عظیم و سخت، مثل بذل جان و مال نبوده؛ ولی
با این همه عده‌ای سرباز زدند. (پیروزفر، ۱۳۷۸: ۱۰۵)

۴. سنجش صبر و تقوای مؤمنین

از دیگر اهداف مهم آزمایش‌های الهی، محک زدن میزان صبر و تقوای مؤمنین برای
خود آن‌ها است. به عبارت بهتر، مربی از انسان‌ها می‌خواهد تلاش و جدیت خود را
در برخورد با حوادث روزگار دو چندان کند و به طور دائم او را می‌آزماید تا صحنه
روزگار، شدايد و گرفتاری‌ها و نعمت‌ها آن‌ها را گمراه نسازد؛ بنابراین هدف از
آزمایش این است که بنده به خود بیاید و هشیاری خود را از کف ندهد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ
قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ
عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ (آل عمران، ۱۸۶) محققاً شما را در مال و جان آزمایش
خواهند کرد و از آن‌ها که پیش از شما کتاب آسمانی به آن‌ها داده شد و از

مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید، ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

صاحب «مجمع البیان» ذیل آیه شریفه می‌نویسد:

امتحانات و شداید بر شما روی می‌آورند از طریق نقص و از بین رفتن مال و ثروت‌ها، رسیدن مصیبت و نیز سخنان دردآوری که در تکذیب پیامبر از اهل یهود و مشرکین شنیده می‌شود و اگر از اطاعت و بندگی و عبادت کمک گیرید و جزع و کم‌صبری که گناه باشد، نکنید؛ این امتحان، رشد و صواب در پی خواهد داشت. (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۶۹)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند روزی گسترده را با فقر و بیچارگی درآمیخت و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد، دوران شادی و سرور را با غصه و اندوه نزدیک ساخت، اجل و سرآمد زندگی را مشخص کرد، آن را گاهی طولانی و گاهی کوتاه قرار داد تا مورد آزمایش قرار گیرید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹)

اختصاصات آزمون‌ها و ابتلائات الهی

از بررسی بحث‌های قبلی می‌توان چند ویژگی برای آزمایش‌های الهی استنباط کرد که در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۱. قابل پیش‌بینی نبودن آزمون‌های الهی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آزمایش‌های الهی این است که زمان آزمایش و یا هنگام اجرای آن پدیده در زندگی انسان‌ها از پیش مشخص نیست. حتمی و قطعی بودن این آزمایش برای انسان مؤمن در کل زندگی و حیات قابل انکار نیست؛ ولی این‌که در چه زمانی انسان مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرد، از پیش معلوم نمی‌شود.

فایده تربیتی چنین عملی به این صورت است که وقتی مربی به مربی نمی‌گوید چه زمانی امتحان خواهد گرفت، ولی موضوع امتحان هر زمان ممکن است باشد؛ مربی سخت‌کوش و حساس که در صدد سربلندی در امتحان است، همیشه خود را برای امتحان مهیا می‌کند.

مطابق با این مثال، انسان‌ها نمی‌دانند چه زمانی از جانب خداوند مورد آزمایش قرار می‌گیرند یا قرار خواهند گرفت؛ لذا خداوند برای هدایت انسان‌ها همین شیوه قابل پیش‌بینی نبودن را بکار گرفته است؛ چرا که انسان‌ها همیشه باید آگاه نباید غفلتی از یاد خدا نداشته باشند تا بتواند از عهده این آزمایش‌ها برآیند؛ البته هر چه درجه ایمان و توکل قوی‌تر باشد، انسان در همه حال بیشتر به یاد خدا بوده و در دشواری‌ها و مصائب زندگی توکل می‌کند و راه‌های سخت را طی می‌نماید.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که نشان‌گر غفلت انسان‌ها از این‌گونه آزمایش‌ها است (ر. ک: فجر، ۱۶-۱۵) که مطابق با این آیات، غفلت و ناآگاهی انسان از زمان آزمایش شدن مشخص می‌شود و انسان ناآگاه آزمایش‌های الهی را به حساب محبت و عدم محبت از جانب خداوند به خود قلمداد می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَّبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ»؛ (ابراهیم، ۶) و یاد آر آن زمانی که موسی به قوم خود گفت نعمت‌های خدا را بر خود به یاد آورید، زمانی که فرعونیان به سختی عذابتان می‌کردند و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند، نجاتتان داد و در این‌ها از جانب پروردگارتان آزمایش بزرگی بود.

در این آیه شریفه، خداوند داستان نصیحت حضرت موسی علیه السلام به قوم خود را طرح می‌کند و از قول حضرت جریان آزمایش شدن قوم بنی اسرائیل توسط شکنجه فرعونیان که از جانب خداوند صورت گرفته بود را یادآوری می‌کند.

بر این اساس، برخی پیامبران از وجود چنین آزمایش‌های الهی مطلع بودند؛ لذا به هنگام این آزمایش‌ها نهایت تلاش خود را برای جهت‌دهی بندگان به سوی اهداف آزمایش آن‌ها به عمل می‌آوردند. بندگان خدا نیز باید به هنگام هر گونه دشواری و شداید مقاومت کنند و همواره طلب عفو و بخشش و بهره‌برداری از مواهب الهی را به منظور تربیت خود داشته باشند.

۲. عام البلوی بودن ابتلائات الهی

ویژگی دیگر آزمایش‌های الهی، جنبه فراگیری آن‌ها است. منظور از فراگیری آزمایش الهی دربرگرفتن تمامی جوانب زندگی انسان است. انسان مؤمن از هر بُعد زندگی اش چه مادی و چه ایمانی و یا حتی مقام و موقعیت خودش و نیز از طریق اهل و عیال خود در دنیا مورد آزمایش الهی قرار دارد.

بر خلاف آزمون‌های بشری که صرفاً مربوط به یک موضوع می‌شود، آزمایش الهی می‌تواند ابعاد گوناگونی را شامل شود و تمام مراحل زندگی انسان را در برمی‌گیرد؛ چرا که ابزارها و اسباب آزمایش، متعدد و گسترده هستند، پس آزمایش و امتحان بخشی از حیات زندگی فرد و عجبین با آن است. (میرباقری، ۱۳۷۸)

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَتَبْلُوكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ

وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ»؛ (بقره، ۱۵۵) شما را به ترس و گرسنگی و

کم بودن مال و جان و کمبود میوه‌جات آزمایش می‌کنیم، پس بندگان

صبور را بشارت بده.

بر این اساس، خدای متعال مؤمن را به هر بلایی و به هر مرگی بمیراند؛ ولی به رفتن عقلش مبتلا نکند. مگر ایوب علیه السلام را نمی‌بینی که خداوند چگونه شیطان را بر مال و فرزند و همسر او و هر چه داشت مسلط کرد؛ ولی بر عقلش مسلط نکرد تا با آن خدای را به بیگانگی بپرستد. (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۱)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«مَا مِنْ قَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ إِلَّا وَلِلَّهِ فِيهِ مَشِيئَةٌ وَقَضَاءٌ وَإِتْلَاءٌ»؛ (همان: ۱۵۲)

هیچ قبض و بسطی نیست، مگر آن‌که خداوند در آن مشیت و حکم و امتحانی دارد.

مؤمن واقعی از مصائب روزگار و حوادث دهر نمی‌هراسد، او از گرفتار شدن به امراض یا پیش آمدن حوادث ناگوار و وقوع فاجعه باکی ندارد؛ زیرا عقیده دارد که حوادث خوب یا بدی که برای مردم روی می‌دهد، آزمایشی از طرف خداوند است تا معلوم شود چه کسانی در هنگام شادی و گشایش، سپاس می‌گویند و یا به وقت گرفتاری صبر پیشه می‌کنند. به همین دلیل است که مؤمن هنگام گرفتار شدن به بلا و شر، شکوه و زاری نمی‌کند؛ بلکه صبر و بردباری پیش می‌گیرد و خدا را شکر می‌کند و از او می‌خواهد شر و گرفتاری را از او دور سازد. (نجاتی، ۱۳۶۹: ۳۴۳)

به طور کلی، هر چه توجه انسان مؤمن و درجه ایمان او بالاتر باشد، شرایط بیشتری برای بهره‌مندی از موقعیت‌های آزمایش و تعیین بهترین سرنوشت برای خود رقم می‌زند. تعدد آزمایش‌ها هر چند فرسوده کننده باشد، می‌تواند فرصتی برای خودسازی انسان فراهم آورد؛ پس دامنه و گستره آزمون الهی، یک یا دو مورد نیست، بلکه آن‌چه از مضامین آیات و روایات استنباط می‌شود، بسیار گسترده‌تر است و در همه شرایط - چه در شرایطی که انسان در وفور نعمت است و چه در شرایطی که انسان در بند شداید گوناگون در هر مرحله از زندگی گرفتار باشد - باید از موضوع

امتحان غافل نباشد و آمادگی استفاده از این وسیله را برای ارتقای درجه ایمان خود داشته باشد.

۳. افتراق در مراتب دشواری آزمایش‌های الهی

ویژگی دیگر آزمایش‌های الهی این است که از نظر پیچیدگی و سطح دشواری نسبت به افراد یا امم مختلف، متفاوت هستند. برخی از گرفتاری‌ها نسبتاً کوتاه و برخی طولانی و پیچیده هستند؛ البته باید وجود این تفاوت‌ها و دشواری‌ها را با درجه ایمان افراد در ارتباط دانست، زیرا بلا و نعمت در هر دو نسبی هستند و بستگی به عکس‌العمل انسان در برابر آن دو دارند؛ لذا یک چیز نسبت به دو شخص وضع مختلفی می‌یابد، یعنی یک چیز برای یک نفر نعمت است و همان چیز برای شخص دیگر نعمت است. این است که می‌گوییم نعمت و بلا هر دو نسبی هستند. (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۸۴)

آنچه می‌توان از نظر تربیتی بیان کرد این است که به طور کلی تغییر سطح دشواری آزمایش‌ها از جانب خداوند برای بندگان خود، عمدتاً به دو هدف انجام می‌شود:

- خداوند با توجه به ظرفیت فرد یا قومی، همه بندگان خود را مورد آزمایش قرار می‌دهد (ر. ک: عنکبوت، ۳-۲) تا به اصلاح رفتار و اعمال خود بپردازند.
- خدای متعال بندگان را برای بهره‌مندی یا عدم بهره‌مندی از نتایج آزمایش، مخیر و آزاد می‌گذارد تا واکنش انسان‌ها نسبت به آزمایش مشخص شود.

نگاهی به سیره تربیتی پیامبران و امامان علیهم‌السلام در واکنش مثبت به نتیجه چنین آزمایش‌هایی برای هر مؤمنی آموزنده است. نمونه‌هایی از این آزمون‌ها و درس‌ها را می‌توان از ابراهیم و ایوب علیهم‌السلام به روشنی در آیات قرآن کریم مشاهده کرد. (ر. ک: بقره، ۱۲۴)

حضرت ایوب، حضرت سلیمان، پیامبر اکرم و سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام هر یک با توجه به شرایط زندگی سیاسی و اجتماعی خود، آزمایش‌هایی را پشت سر گذاشته‌اند.

این آزمایش‌ها برای یک پیامبر و یا یک امام معصوم با دیگر پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام متفاوت بوده است.

توجه به معنای برخی آیات، تفاوت دشواری یا آسان بودن یک آزمایش را بر انسان مشخص می‌سازد؛ چه بسیار انسان‌هایی که از ساده بودن دشواری‌ها و بلاها به خود نمی‌آیند و مربی برای این‌که انسان را از خواب غفلت بیدار کند، شیوه آزمایش را تغییر می‌دهد تا هر چه بیشتر توجه شاگرد را به آزمایش و امتحان جلب کند.

در سوره بقره چنین تفاوتی را در سطوح دشواری می‌توان مشاهده کرد:

«فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ (بقره، ۲۴۹)

پس هنگامی طالوت لشکر کشید، سپاه خود را گفت خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند، هر که از آن بیاشامد از من و هم آیین من نیست و هر که هیچ نیاشامد یا کفی بیش برنگیرد از من و هم آیین من خواهد بود. پس همه سپاهش آشامیدند به جز عده قلیلی از آن‌ها و چون طالوت و سپاه مؤمنش از نهر گذشتند و گفتند ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او نخواهد بود. آنان که به لقای رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند، گفتند چه بسیار شده گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده و خدا با صابران است.

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه اشاره می‌کند:

خداوند به وسیله نهری، یک لشکر را امتحان می‌کند و در نتیجه این عمل، سربازان طالوت به سه گروه یا طایفه تقسیم می‌شوند. گروه نخست آن‌هایی که از طالوت نبودند چون از آب نهر نوشیدند، گروه دوم آن‌هایی که از وی بودند چون از نهر ننوشیدند و گروه سوم آن‌هایی که مردد بودند و موقعیت‌شان در آزمایش نهر معلوم نشد، چون مشتی آب برداشتند و نوشیدند و در نتیجه آزمایش دیگری وضعشان را روشن کرد و آن این است که اگر در حال جنگ به خدا اعتماد نموده و در برابر دشمن مقاومت کنند از طالوت خواهند بود و اگر دچار اضطراب شوند در طایفه دوم قرار خواهند گرفت. (طباطبایی، ۱۳۷۷)

دو حدیث زیر نیز نمونه‌ای است که مؤید موارد بالاست:

- سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری به تربیت عبارتند از پیامبران، کسانی که در پی آنانند و سپس کسی که از دیگران بهتر است.
- مؤمن مانند کفه ترازو است؛ هر چه بر ایمانش بیفزاید، بر بلایش افزوده می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۱)

۴. دائمی بودن آزمون‌های الهی و غیر مقطعی بودن آن

ویژگی دیگر آزمایش‌های الهی این است که در زمان‌های خاصی برای بشر اتفاق می‌افتد؛ اما این امر به منزله مقطعی بودن این آزمایش‌ها نیست، یعنی این‌طور نیست که تنها در یک زمان، آزمایش انجام و بلافاصله تمام شود و دیگر هیچ آزمایشی صورت نگیرد، بلکه آزمایش‌های الهی در طی زندگی فرد رخ می‌دهند. به عبارت دیگر، زمانی خداوند فرد را به حال خود وامی‌گذارد که شرایط زندگی فرد تغییر پیدا کند؛ مثلاً وضع مالی‌اش بهبود یابد، آزمایش الهی با بهبود شرایط زندگی یا بر عکس با ناگوار شدن شرایط زندگی شروع می‌شود.

میزان اشتداد آگاهی انسان‌ها در نزول آزمایش در همه زمان‌ها یکسان نیست. به عنوان مثال؛ در زمانی که زلزله و قحطی به عنوان دو وسیله آزمایش یا مرگ و نیستی برای انسان‌ها رخ می‌دهد، شرایط تأثیرگذاری این آزمایش‌ها با شرایط معمولی زندگی انسان یکسان نیست؛ از این‌رو منظور از مدت زمان معین آزمایش‌ها تأثیرگذاری برخی آزمون‌های سخت در برخی از زمان‌ها بر میزان آگاهی یا عدم آگاهی است؛ حال آن‌که انسان در طول حیات خود در بوته آزمایش است؛ چنان‌چه در بعضی آیات به زمان خاص آزمایش‌های الهی اشاره شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْتُدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ (اعراف، ۱۶۳) و [ای رسول] بنی اسرائیل را از آن قریه که در ساحل دریا بود بازپرس، آن‌گاه که از حکم شنبه تجاوز کردند، آن‌گاه که روز شنبه ماهیان در مشاعر پیرامون دریا پدیدار شده و در غیر آن روز پدید نمی‌آمدند، بدین‌گونه ما آنان را به سبب فسق و نافرمانی آزمایش می‌کردیم.

این آیه اشاره دارد به ماجرای ممنوعیت یهود از شکار ماهی‌هایی که در روز شنبه دسته دسته به سمت ایشان می‌آمدند و خود را روی آب آشکار می‌کردند. تجاوزشان از حدود روز شنبه بود که ماهی‌هایی روی آب شکار می‌شدند و ایشان ممنوع از صید آنان بودند؛ اما بعد از روز شنبه که مجاز در صید بودند، ماهی‌ها نزدیک نمی‌آمدند و این خود امتحانی بود از جانب خدای تعالی و خدا بدین جهت ایشان را به چنین امتحانی مبتلا کرد که فسق و فجور در میان ایشان رواج یافته بود و حرص

بر اعمال بد، ایشان را وادار به مخالفت با امر خدا و صید ماهی و به دست آوردن هزینه‌های فسق و فجورشان می‌کرد.

قرآن کریم در آیه شریفه دیگری می‌فرماید:

«أُولَٰئِكَ يَرْوُونَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ»؛ (توبه، ۱۲۶) آیا نمی‌بینند آنان در هر سال، یک یا دو بار آزموده می‌شوند؛ باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند.

مطابق با این آیات، آزمایش‌های الهی که در طی زمان‌های خاصی برای بشر اتفاق می‌افتد و زمان این آزمون‌ها مشخص نیست، می‌تواند از نظر اشتداد یا عدم اشتداد آگاهی فرد در اشخاص گوناگون، متفاوت باشند.

این موضوع برای آگاهی انسان جهت بیداری در زندگی و یا ظهور برخی از آزمایش‌های سخت و دشوار امری مهم است و هر انسانی در چنین زمان‌هایی که آزمایش سخت ظهور می‌کند، باید مهیاتر باشد و فرصت خودسازی را غنیمت شمرده و سایر انسان‌ها را برای سبقت‌گیری در جهت امر الهی راهنمایی کند.

۵. سنخیت ابتلائات و آزمایش‌های الهی با رشد فکری و اجتماعی جوامع

یکی دیگر از ویژگی‌های آزمایش‌های الهی این است که با رشد اجتماعی اعضای یک گروه یا جامعه و یا یک ملت تناسب دارد. هر یک از اقوام گذشته با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی خود در آزمایش الهی قرار گرفته‌اند.

نگاهی به سرنوشت برخی از امم گذشته مثل قوم عاد، ثمود و لوط نشان‌گر سرنوشت ناگوار آن‌ها به جز پیامبران‌شان بوده است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ»؛ (انعام، ۴۲) برای امم پیشین انبیایی اعزام کردیم و آنان را با شدايد و آسیب‌ها و زیان‌های مالی و غیر مالی آزمودیم تا تضرع کنند.

در ادامه این آیه شریفه، خداوند با حالت اعتراض‌گونه سؤال می‌کند که این‌ها گریه نمی‌کنند و بعد در ادامه توضیح می‌دهد عامل اصلی عدم گریه و زاری آن‌ها ناشی از قساوت قلبی‌شان است.

در تفسیر موضوعی قرآن کریم و ذیل این آیه، بحثی با عنوان آزمایش امت‌ها با سختی و دشواری آمده است: هر پیامبری که مبعوث شده، خداوند امت او را با مشکلاتی آزموده است. امت‌ها اگر توانسته‌اند در امتحان الهی همراه با پیامبر خود راه نبرد با دشواری‌ها را ادامه دهند، به فلاح و رستگاری رسیده‌اند و کسانی که تن به این آزمایش‌ها نداده‌اند، از سعادت دنیا و آخرت محروم شدند و این آزمایش‌های همراه با سختی مربوط به همه امم بوده است. (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۳)

با توجه به این‌که انسان‌ها در طی مراحل زندگی، شرایط گوناگون جسمی و عقلی و روحی پیدا می‌کنند؛ از این‌رو آزمایش‌های الهی با توجه به خصوصیات رشدی افراد و حتی ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها به‌عمل می‌آید، چنان‌چه مشاهده می‌شود در برخی آیات، خداوند حکم جهاد را برای زنان و بیماران منتفی کرده است. در همین رابطه به ترجمه و مضمون برخی آیات از قرآن کریم و ترجمه روایاتی از اصول کافی اشاره می‌شود که تبیین‌کننده این ویژگی آزمایش الهی است:

- سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری به ترتیب عبارتند از پیامبران،

کسانی که در پی آنانند و سپس کسی که از دیگران بهتر است.

- مؤمن مانند کفه ترازو است؛ هر چه بر ایمانش بیفزاید، بر بلایش افزوده

می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۱)

هم‌چنین نمونه‌هایی از تناسب آزمایش و سطح دشواری را در داستان آزمایش فرعونیان می‌توان مشاهده کرد. وقتی قوم فرعون از انجام آزمایش الهی به خود نمی‌آمدند، شیوه آزمایش سخت‌تر می‌شد؛ چنان‌چه خداوند متناسب با سرسختی

قوم فرعون در پذیرفتن دستوراتش، آزمایش را متناسب با کردار و رفتارهایشان سخت تر می کرد و آن ها را به بلاهایی دچار می نمود که این بلاها شدیدتر می شدند. (میرباقری، ۱۳۷۸: ۲۶) این مراحل به ترتیب زیر هستند:

- مرحله اول حوادث، جنبه تذکر و توجه کردن به حقیقت دارد. (ر. ک: اعراف، ۱۳)
- مرحله دوم موقعی است که نزدیکان فرعون بر این آیات الهی، عنوان سحر می گذارند (ر. ک: اعراف، ۱۳۲) که نتیجه این گستاخی، حوادث سنگین تری است. (ر. ک: اعراف، ۱۳۳)
- مرحله سوم وقتی است که مراحل قبل، هیچیک به ثمر نمی نشیند و در نهایت عذاب الهی به عنوان انتقام از زمین دامن گیر آن ها می شود. (ر. ک: اعراف، ۱۳۶-۱۳۵)

نتایج و کارکرد های تربیتی آزمونها و ابتلائات الهی

در این بخش با توجه به بخش های قبلی به مواردی از آثار و کارکردهای تربیتی آزمایش های الهی اشاره می شود:

۱. ایجاد معرفت و خودشناسی

یکی از معانی تربیت، آگاه ساختن انسان است و چنانچه متربی از موقعیتش آگاه باشد، خطاها و ضعف های قبلی خود را جبران می کند؛ لذا یکی از اهداف امتحان و آزمایش، آگاه ساختن فرد از نقاط ضعف و قوت او است که آزمایش های الهی می توانند این اثر و کارکرد تربیتی را بر انسان ها داشته و زمینه آگاه ساختن انسان ها را فراهم کنند.

بر این اساس، خداوند با قرار دادن امتحاناتی در مسیر زندگی انسان در صد آگاه ساختن، تذکر و بیداری او است؛ در این سیر، هر چه انسان ها از نظر درجه

ایمان قوی‌تر باشند، از این دشواری‌ها بیشتر تأثیر می‌پذیرند و هر چه از نظر ایمان ضعیف‌تر باشند، متوجه این اثرات تربیتی نخواهند بود.

نمونه‌هایی از این آگاهانه عمل کردن در برابر آزمایش‌ها و آگاه ساختن عبرت گیرندگان از پیام‌های قرآنی را می‌توان در جریان آزمایش حضرت سلیمان علیه السلام که از نتیجه آزمایش خود آگاه بود، دریافت کرد (ر. ک: نمل، ۴۰) که نشان می‌دهد با حضرت آگاه بود که خداوند او را مورد آزمایش قرار می‌دهد؛ لذا موفقیت خود را ناشی از فضل و کرم پروردگار دانسته و این آگاهی، زمینه شکرگذاری او از خداوند را فراهم کرد.

شهید مطهری در بحث از اثرات تربیتی بلا یا چنین می‌نویسد:

سختی و گرفتاری هم تربیت‌کننده فرد و هم بیدارکننده ملت‌ها است. سختی، بیدار سازنده و هوشیار کننده انسان‌های خفته و تحریک کننده عزم‌ها و اراده‌ها است؛ زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی‌ها مقاومت کند و به طور خودآگاه و ناخودآگاه آماده مقابله با آن شود. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۵۶)

۲. استحکام اراده و تحریک انگیزه

داشتن انگیزه کافی برای هر عملی از مهم‌ترین مسائل تربیتی به شمار می‌آید. از جمله اهدافی که هر آزمون می‌تواند داشته باشد، این است که شاگردان را نسبت به یادگیری و تلاش تشویق می‌کند و به عنوان یک محرک، انگیزه آن‌ها را تقویت می‌کند؛ پس یکی از مهم‌ترین فواید تربیتی امتحانات، تقویت انگیزه و اراده افراد در مواجه شدن با امتحانات است.

در آیات متعددی خداوند با تشویق تلاش انسان‌ها، اقدام به تقویت انگیزه و اراده افراد می‌کند (ر. ک: بقره، ۱۵۵؛ ملک، ۲) که با توجه به عجین بودن حیات

زندگی انسان‌ها با آزمایش و ابتلا می‌توان اذعان کرد سراسر زندگی انسان‌ها در این عالم مورد آزمایش و امتحان الهی است. (میرباقری، ۱۳۷۸)

در این میان، وظیفه مربی در تربیت اسلامی این است که با تأسی به مضمون آیات قرآنی به هنگام سختی‌ها و بلاها به متریان جوان کمک کند، نسبت به آن‌ها توجه کرده و با دیده عبرت بنگرد و انگیزه و اراده خود را برای جلب رضای الهی تقویت کند.

برای تحقق این منظور نیز برگزاری جلسات، نشست‌ها و میزگردها در صدا و سیما و تحلیل و بررسی آثار تربیتی بلاها و امتحانات الهی به هنگام نزول اسباب آزمایش در تقویت ایمان افراد و آمادگی به منظور کسب انگیزه مقاومت، صبر و بردباری و طلب عفو و مغفرت می‌تواند مؤثر باشد.

۳. زمینه‌سازی جهت توبه و پشیمانی از گناه

از دیگر اثرات و کارکردهای تربیتی آزمایش‌های الهی این است که انسان را برای تصمیم‌گیری به توبه، ندامت و طلب عفو و مغفرت از درگاه باری تعالی امیدوار می‌کند. توبه به عنوان یکی از روش‌های تربیت اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵)

اهمیت و تأثیر آزمایش‌ها این است که انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«...وَبَلَّوْنَا هُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ...»؛ (اعراف، ۱۶۸)

و آن‌ها را به نیکی و بدی‌ها آزمودیم تا شاید بازگردند.

بنابراین آزمایش‌های الهی می‌توانند اثرات تربیتی مثبتی در انسان‌ها به منظور تغییر جهت و انتخاب مسیر درست ایجاد کند. آن‌چه قبلاً بیان شد، این است که برخی از آزمایش‌های الهی صرفاً جنبه تذکر دارند تا بندگان را وادار به توبه نمایند.

به طور کلی، ابتلائات برای توجه دادن انسان به پروردگار و ایجاد حالت نیایش است؛ زیرا طبع بشر به لحاظ فطرت الهی به گونه‌ای است که به هنگام مشکلات و محدودیت‌ها، شکسته‌دلی به وی رو می‌آورد و از غفلت دست می‌شویید و برای او حالت التجا پدیدار می‌شود؛ پس تقدیر حوادث گوناگون از ناحیه ربوبی در زندگی انسان برای بازگشت به سوی حق است. (میرباقری، ۱۳۷۸: ۲۵-۲۴)

آنچه در این میان از نظر تربیتی مهم است، یادآوری جایگاه و اهمیت مقاومت به هنگام جاری شدن اسباب آزمایش جمعی برای ملت‌ها در گذر زمان است. اگر در مواقعی زلزله یا قحطی یا بلایای دسته‌جمعی، سیل یا کم‌آبی که نمونه‌هایی از اسباب آزمایش هستند، رخ داده باشد، وظیفه مربیان تربیت اسلامی این است که از طریق برگزاری میزگردها یا سایر برنامه‌های تربیتی در جهت ایجاد آگاهی بیشتر برای بازگشت و توبه و طلب مغفرت و آمرزش گناهان، توصیه تربیتی لازم را به مردم ارائه دهند.

۴. ایجاد روحیه رقابت در انجام اعمال خداپسندانه

از دیگر اثرات و کارکردهای تربیتی آزمایش‌های الهی می‌توان به تربیت حس رقابت و سبقت‌جویی در کارهای مثبت و خداپسندانه در انسان اشاره کرد. ایجاد رقابت در میان انسان‌ها جهت پیشی گرفتن در اعمال خداپسندانه اهمیت بالایی دارد و عمل آزمودن می‌تواند به این حس رقابت دامن نهد.

بیان این نکته لازم است که برخلاف انگیزه و اراده که جنبه درونی عمل انسان را تشکیل می‌دهد، در مسئله رقابت، انسان آن انرژی درونی خود را در اعمال و رفتارشان نشان می‌دهد؛ لذا تقویت اراده، انگیزه و ایجاد رقابت با یکدیگر همبسته‌اند و جنبه درونی یعنی فکر و جنبه بیرونی یعنی عمل تربیت اسلامی را شامل می‌شود. بنابراین تا وقتی در فرد اراده و انگیزه نباشد، عمل رقابت صورت نمی‌گیرد.

در مجموع، ابتلا و امتحان الهی می‌توانند هم از نظر فکری و هم از نظر عملی بر فرد مؤمن تأثیرگذار باشند؛ اما نوع بهره‌هایی که اشخاص به تناسب شخصیت و ایمان خود از آن‌ها می‌برند، متفاوت خواهد بود.

ایجاد حس رقابت به عنوان یکی از کارکردهای تربیتی آزمایش‌های الهی با یکی از اصول و روش‌های تربیت اسلامی یعنی اصل سبقت و روش ابتلا و امتحان در ارتباط است. یکی از اصول مهم تربیت اسلامی، اصل سبقت است که در نتیجه آن، مربی باید متری را در پیشی گرفتن در کارهای نیکو و خداپسندانه تشویق کند و ابتلا نیز به عنوان یکی از روش‌های تربیت اسلامی به شمار می‌آید. (باقری، ۱۳۷۰)

اصل سبقت در این کارکرد، ارتباط خود را با روش ابتلا و امتحان الهی پیدا می‌کند؛ یعنی در ابتلای الهی هدف، سبقت دادن افراد مؤمن به صبر و پیشی گرفتن در توجه و توکل به خدا است؛ یعنی هر چه فرد از آزمایش‌های الهی موفقیت و سربلندی کسب کند، نسبت به انسان‌های دیگر سبقت بیشتری در بهره‌مندی از رحمت الهی دارد. بنابراین اصل سبقت و روش ابتلا می‌توانند با یکدیگر در ارتباط باشند. انسان مؤمن که همیشه مبتلا و بهوش است، سبقت می‌گیرد و در آزمون موفق می‌شود و وجهه «السابقون» به خود می‌گیرد و در نهایت جزو مقربین درگاه احدیت می‌شود. بر این اساس، بی‌دلیل نیست که خداوند وعده بهشت را به بندگان مخلص خود داده است؛ چرا که تمامی این وعده وعیدها به سبب ایجاد رقابت، جهت ورود به بهشت و جلب رضایت خداوند نسبت به بنده است.

در قرآن کریم چنین اشاره شده است:

- «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...»؛ (ملک، ۲)

کسی که موت و حیات را آفریده تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید.

- «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...»؛ (هود، ۷) او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز خلق کرد و عرش او بر آب قرار داشت و غرضش از این خلقت آن بود که شما را بیازماید تا کدام‌یک بهتر عمل می‌کنید.

۵. شایستگی پاداش و کیفر

از دیگر اثرات تربیتی مهم آزمایش الهی می‌توان به برخورداری یا عدم برخورداری از پاداش و یا کیفر اشاره کرد؛ چنان‌چه در امتحانات بشری، معلم به دانش‌آموز فعال و کوشا جایزه می‌دهد و ممکن است معلم، شاگرد تنبل را محروم سازد؛ چنین عملی یکی از مهم‌ترین فرایندهای ارزشیابی و امتحان را شامل می‌شود.

خداوند از انجام آزمایش‌های خود در صدد گرفتن نتایج تربیتی است؛ یعنی بندگان خود را مستحق پاداش یا کیفر می‌داند. نتایج حاصل از اعمال بندگان، پاداش یا کیفر را از جانب خداوند به دنبال دارد؛ هر چند انسان از پاداش‌ها یا کیفرهای ملموس در این دنیا مطلع نیست؛ اما در برخی از آیات قرآنی خداوند از کیفرهای پاداش‌نما سخن می‌گوید که هر چند به ظاهر پاداش هستند، اما زمینه کیفر انسان را فراهم می‌کنند.

صاحب «تفسیر تسنیم» به این‌گونه کیفرهای پاداش‌نما اشاره می‌کند و اشاره‌ای به آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مبارکه انعام دارد که می‌فرماید: ما آنان را ابتدا با کمبود آزمودیم تا ناله کنند و چون اهل ناله نشدند، بسیاری از نعم را به آن‌ها دادیم تا سرگرم تنعم شدند و سپس در همان بحبوحه، تنعم را از آنان گرفتیم و ریشه‌کن ساختیم. (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱)

شهید مطهری نیز در رابطه با اثرات تربیتی بلا و شداید چنین می‌نویسد:
امتحان می‌کند یعنی در معرض بلا یا شداید قرار می‌دهد که بر وزن واقعی و
درجه معنوی و حد شخصیت آن بنده افزوده شود. (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۴۴)

به طور کلی رشد شخصیت و درجه معنوی یا نعمت، همگی در اصطلاح
روانشناسی معاصر پاداش نامیده می‌شوند. به هرحال نتایج هر امتحانی بدون
پاسخ نخواهد بود.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ
دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»؛

(انعام، ۱۶۵) اوست کسی که شما را خلیفه‌های زمین قرار داد و برخی را
به درجاتی بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده آزمون کند.
پروندگان کفر کردار را به زودی می‌دهد و هم او آموزگار و مهربان است.

۶. تکامل ذات و ارتقای بشر

از دیگر اثرات و نتایج تربیتی آزمایش‌های الهی، فراهم کردن زمینه و جهت ارتقای
انسان به مقام یک انسان کامل است. بر اساس این کارکرد، هر حرکت و پاسخ مثبت
انسان به آزمایش‌های الهی از قبیل صبر و توکل و سفارش دیگر مؤمنین به بردباری و
یا کمک به آسیب‌دیدگان و ابراز همدردی با آنان؛ اعم از مالی، فکری و یا عقیدتی
منجر به ارتقای انسان می‌شود.

گاهی به سرگذشت پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام بیان‌گر همین مسئله است که آنان
برای ارتقا به پیامبری یا امامت خود، سختی‌ها و مشکلات گوناگونی را پشت سر
گذاشته‌اند. در پی چنین صبر و تحملی چه بسا انسان به مقام و موقعیتی دست پیدا
کند که برای خود او باورنکردنی باشد.

مهم‌ترین اصل تربیتی در این جا شکرگذاری بنده است؛ به نحوی که هر چه ارتقا بیشتر باشد، بنده باید شکرگذارتر و توکلش دوچندان شود. در سیره تربیتی حضرت ابراهیم و حضرت سلیمان و همه ائمه اطهار علیهم‌السلام این ارتقا مشاهده می‌شود. مقام والای شهدای جنگ احد و مقام سالار شهیدان، امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهیدان راه حق و حقیقت برای هیچ مسلمان و مؤمنی از نظرها پوشیده نیست؛ چنان‌چه روایات و آیات فراوانی در این مورد وارد شده که مجال پرداختن به آن‌ها نیست.

برای اتمام سخن به یک آیه شریفه درباره مقام حضرت ابراهیم علیه‌السلام اشاره می‌شود:

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ (بقره، ۱۲۴) و

چون پروردگار، ابراهیم را با صحنه‌هایی بیازمود و او به حد کامل آن امتحان را انجام داد، به وی فرمود: تو را امام خواهم کرد. ابراهیم گفت: از ذریه‌ام نیز کسانی را به امامت برسانی که خداوند فرمود: عهد من به ستمگران نمی‌رسد.

همان‌طور که روشن است، شرط ارتقای حضرت ابراهیم علیه‌السلام به امامت پس از گذر موفقیت‌آمیز از آزمایش‌هایی بوده که از آن جمله دستور ذبح حضرت اسماعیل علیه‌السلام و شکستن بت‌ها است. بنابراین در مکتب تربیت اسلامی، تحمل شداید و سختی‌ها از جانب انسان او را به حد کامل انسانیت می‌رساند و هر گاه انسان در برابر مشکلات زندگی و اذیت و آزار و دشمنی مردم صبر کند، انسانی با شخصیت و رشد یافته و کامل خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا مفهوم و اهداف آزمایش‌های الهی مورد بررسی قرار گرفت و اشاره شد که کلمه بلا، امتحان، فتنه و مشتقات آن در قرآن کریم به معنی آزمایش و

امتحان است. در بحث از اهداف امتحان به دو هدف مهم اشاره شد و تبیین شد که هدف خداوند از انجام ابتلائات و آزمایش‌ها در زندگی انسان‌ها تکامل و رساندن آدمی به کمال شایسته و اتمام حجت بر بندگان است.

در بخش دوم مقاله با توجه به آیات قرآن و روایات، اختصاصات آزمایش‌های الهی در مواردی نظیر افتراق در مراتب دشواری، تناسب با سطح رشد فکری و اجتماعی، عام‌البلوی بودن آزمایش‌ها در مسیر زندگی انسان‌ها و دائمی بودن و غیر مقطعی بودن آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در بخش پایانی نیز با توجه به بخش‌های قبلی، نتایج و کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی در زمینه استحکام اراده و تحریک انگیزه، ایجاد روحیه رقابت، شایستگی پاداش و کیفر، تکامل ذات و ارتقای بشر، زمینه‌سازی جهت توبه و پشیمانی از گناه و مهم‌تر از همه، ایجاد معرفت و خودشناسی و بیداری از غفلت به عنوان ۶ کارکرد و اثر تربیتی ابتلائات و آزمون‌های الهی تبیین شد.

پیشنهادهایی برای محققان آینده

به نظر می‌رسد پی‌جویی پیشنهادهای زیر می‌تواند برای دست‌اندرکاران و محققان علاقه‌مند به موضوعات مرتبط با این پژوهش، مورد استفاده قرار گیرد:

- با توجه به نقش سازنده آزمون‌ها و ابتلائات الهی در تربیت و کمال انسان و به منظور تقویت جایگاه این سنت الهی، پیشنهاد می‌شود برای آشنایی دانش‌آموزان با جایگاه آزمایش‌های الهی، دروسی در محتوای کتاب‌های درسی دبیرستانی در مورد نحوه آزمایش پیامبران و امامان و نوع برخورد ایشان با این آزمایش‌ها گنجانده شده و آثار تربیتی آن‌ها تبیین شود.
- در صدا و سیما، برنامه‌هایی درباره تبیین موضوع آزمایش الهی و کارکردهای تربیتی آن تدارک دیده شود.

کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی ... / ۱۰۲

- توصیه می‌شود پژوهشگران، موضوعی درباره اسباب و ابزارهای آزمون‌ها و ابتلائات الهی و روش‌های بیرون رفتن و سربلندی در آن آزمون‌ها و ابتلائات در قرآن و سیره تربیتی مورد پژوهش قرار دهند که مجال پرداختن به چنین بحثی در پژوهش حاضر، فراهم نشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۷۹). شرح نهج البلاغه. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: مرکز نشر رجاء.
۴. ابن منظور. محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. باقری، خسرو (۱۳۷۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ ۲. تهران: انتشارات مدرسه.
۶. پیروزفر، سهیلا (۱۳۷۸). ابتلا در قرآن و حدیث. مطالعات اسلامی. دوره ۲. شماره ۴۴-۴۳: ۸۹-۱۲۸.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). سیری در تربیت اسلامی. چاپ ۷. تهران: انتشارات دریا.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). مفردات الفاظ القرآن. ترجمه غلامرضا خسروی. تهران: انتشارات رضوی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷). تفسیر مجمع البیان. ترجمه حسن نوری و دیگران. تهران: انتشارات فراهانی.

۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۷). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: نشر فرهنگی رجاء.
۱۲. کلاتری، ابراهیم. رضایی اصفهانی، محمد علی. بهجت پور، عبدالکریم. نصیری، علی. و علیرضا کمالی (۱۳۸۵). تفسیر موضوعی قرآن کریم. تهران: نشر معارف.
۱۳. کلینی، ابوجعفر محمد (۱۳۶۸). اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: نشر اهل بیت علیهم السلام.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). بیست گفتار. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). عدل الهی. قم: انتشارات صدرا.
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۰). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. میرباقری، سید محسن (۱۳۷۸). سیمای انسان مختار در قرآن. تهران: انتشارات رایزن.
۱۸. نجاتی، محمد عثمان (۱۳۶۹). قرآن و روان‌شناسی. ترجمه عباس عرب. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.